

تحلیل گونه‌شناختی روایات غسل امام

محمد عافی خراسانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

چکیده

شماری از احادیث امامیه به این مطلب اشاره دارند که غسل امام پیشین را فقط امام پس از او باید انجام دهد. از گام‌های مهم برای پژوهش درباره این احادیث، دسته‌بندی و گونه‌شناسی آن‌هاست تا نقاط ضعف و قوت آن‌ها را بهتر بشناسیم و ارزیابی دقیق‌تری نسبت به آن‌ها انجام دهیم. در این مقاله، این روایات از سه جهت تقسیم‌بندی شده‌اند: اضطراب ذکر غسل در آن‌ها، داشتن نشانه‌های جعل و اشاره به بقیه اعمال تجهیز غیر از غسل. با دقت در این تقسیم‌بندی‌ها آشکار شد که قرینه‌های مهمی برای عدم اعتماد ما به روایات غسل وجود دارد؛ چرا که احتمال جعلی بودن شماری از آن‌ها بسیار بالاست و شماری نیز دارای دو نقل متفاوت هستند که اشاره به مسأله غسل تنها در یکی از این دو نقل وجود دارد. همچنین در تعداد فراوانی از این روایات، برخی از امور دیگر تجهیز، مانند تکفین یا نماز میت و... نیز الزاماً توسط امام علیه السلام دانسته شده است که آشکارا با واقع تاریخی تجهیز معصومان علیهم السلام مخالفت دارد.

کلیدواژه‌ها: فقه الحدیث، روایات غسل امام، نشانه‌های امامت، واقفیه.

مقدمه

شماری از احادیث - که از آن‌ها با تعبیر «روایات غسل امام» یاد می‌کنیم - تأکید دارند که غسل امام پیشین تنها باید توسط امام پس از او انجام شود. شماری از عالمان امامیه این مسأله را یک قاعده مسلم و جزو نشانه‌های امامت دانسته‌اند. با چنین تفسیری از این مسأله، در اثبات امامت امام رضا و امام جواد علیهم السلام با شبهاتی رو به رو خواهیم شد؛ چرا که این

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، پردیس فارابی (khorasani.m.afi@gmail.com).

دو امام هنگام شهادت پدران خویش در فاصله بسیار دوری از بغداد و طوس بوده‌اند و اثبات حضور ایشان آسان نیست. از سوی دیگر، ناسازگاری مضمون این روایات با گزارش‌های گوناگون رسیده درباره واقع تاریخی تجهیز معصومان علیهم‌السلام قابل تأمل است. از همین روی، ناگزیر از انجام پژوهشی جدی درباره این روایات هستیم.

از این رو، نگارنده تلاش کرده است در مقالاتی، به طور جداگانه این روایات را از جنبه‌های گوناگون بررسی نماید که برخی از آن‌ها تا کنون به چاپ رسیده و در پیشینه به آن اشاره خواهد شد. از گام‌هایی که باید برای این پژوهش برداشت، دسته‌بندی و گونه‌شناسی این روایات است. دسته‌بندی این روایات از جنبه‌های گوناگون باعث می‌شود شناخت عمیق‌تری نسبت به آن‌ها به دست آوریم و بتوانیم به نقاط ضعف و قوت آن‌ها پی برده، به سوی داوری واقع‌بینانه‌تر درباره آن‌ها گام برداریم. در این مسیر، در این مقاله از سه جنبه به تقسیم‌بندی این روایات پرداخته شده است: از جنبه اضطراب (دوگانگی) و عدم آن در اشاره به مسأله غسل در برخی روایات، از جنبه داشتن نشانه‌های جعلی بودن یا عدم آن، از جنبه اشاره یا عدم اشاره به امور دیگر تجهیز؛ یعنی نماز میت، تکفین و تدفین.

پیشینه

اولین بحث مستقلی که درباره روایات غسل امام انجام شده، رساله مختصری از سید مرتضی علیه‌السلام است.^۱ ایشان این گونه روایات را از قبیل خبر واحد دانسته است که به وسیله آن اطمینان حاصل نمی‌شود. همچنین ایشان می‌گوید که اگر چنین اخباری صحیح باشند، باید به معنای اعم اغلب باشند و خلاف آن در غسل امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام رخ داده است؛ زیرا کسی که در مدینه است، نمی‌تواند غسل کسی را که در بغداد یا طوس وفات کرده، انجام دهد؛ چرا که جسم ثقیل نمی‌تواند چنین مسافتی را در این زمان کم طی کند. نگاه عقلی ایشان در تحلیل این مسأله روشن است.

پس از رساله پیش‌گفته، هیچ اثر مستقلی درباره این موضوع تا زمان معاصر یافت نشد. بیشتر بحث‌ها به مناسبت نقل روایات «غسل امام» و یا روایاتی مرتبط با آن بوده است؛ مانند اشاراتی که افرادی چون شیخ صدوق،^۲ ابن شهر آشوب،^۳ علامه محمد تقی مجلسی^۴ و علامه

۱. رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۱۵۳-۱۵۷.

۲. به عنوان نمونه، رک: عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱ ص ۱۰۵-۱۰۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱ ص ۷۱.

۳. متشابه القرآن و مختلفه، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴. روضة المتقین، ج ۱ ص ۳۷۱-۳۷۲.

محمد باقر مجلسی^۱ در لا به لای آثار خود به این مسأله کرده‌اند.

شماری از فقیهان نیز با استناد به روایات غسل امام، برخی از روایاتی را که به نظر می‌رسد معارض با آن‌ها باشد، تضعیف یا توجیه نموده‌اند. البته در آثار فقهی، بحثی درباره این روایات ارائه نشده است - چنان که آن جایگاه نیز چنین اقتضایی ندارد - اما در موارد قابل توجهی، تنها با اشاره، به وجود چنین روایاتی به آن‌ها استدلال شده است.^۲

در دوران معاصر، در برخی آثار به مناسبت موضوع‌های مرتبط، مانند بحث از فرقه واقفیه،^۳ درباره این مسأله نیز سخن گفته شده است؛ مانند آنچه آقای ریاض محمد حبیب الناصری در کتاب الواقفیه به آن پرداخته است.^۴ در سال‌های اخیر مقاله ارزشمندی در این موضوع به قلم آقایان ابراهیم گودرزی و حسین حسینیان مقدم نگاشته شده که این مسأله را از منظر واقع تاریخی و برداشت‌های مختلف از آن بررسی نموده است.^۵ این مقاله پیراج، تلاش نیکویی برای فهم بهتر این روایات است، اما اشکالات و کاستی‌هایی دارد که نگارنده تلاش داشته کرده، ضمن مقالات گوناگونی آن‌ها را برطرف سازد و به مواردی که تا کنون به آن

۱. به عنوان نمونه، رک: بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۲؛ مرآة العقول، ج ۳، ص ۳۵۴؛ ملاذ الأخیار، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. به عنوان نمونه، رک: الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۳۹۱؛ مستمسک العروة، ج ۴، ص ۱۹؛ موسوعة الإمام الخوئی، ج ۸، ص ۳۵۴.

۳. فرقه واقفیه، فرقه‌ای از شیعه هستند که بر امامت امام کاظم علیه السلام توقف کرده‌اند و امامت امام رضا علیه السلام را نپذیرفته‌اند (فرق الشیعة، ص ۱۳۱؛ مقالات الإسلامیین، ص ۲۸؛ الفصول المختارة، ص ۳۱۴؛ المغنی فی أبواب التوحید و العدل، ج ۲۰، ص ۱۸۱؛ الملل و النحل، ج ۱ ص ۱۹۸؛ المحور العین، ص ۱۶۴). فتنه‌ای که توسط این فرقه در میان شیعیان ایجاد شد، از بزرگ‌ترین فتنه‌هایی است که شیعه به خود دیده است؛ چرا که سران این جریان انحرافی، از بزرگان شیعه و کلای امام کاظم علیه السلام بوده‌اند. گفته می‌شود انگیزه‌های مادی این وکلادر غصب اموال و وجوهات برجای مانده از امام کاظم علیه السلام از عوامل پیدایش این فرقه بوده است (رجال الکشی، ص ۴۰۴، ۴۵۹، ۴۶۷، ۴۶۸). یکی از مسائلی که این فرقه بر آن تأکید می‌کرده و بدین وسیله درصدد ایجاد شبهه در امامت امام رضا علیه السلام بوده است، اصرار بر مسأله انحصار غسل امام توسط امام بعدی است (رجال الکشی، ص ۴۶۴)؛ چرا که امام رضا علیه السلام هنگام شهادت پدر خویش در مدینه بوده و فرسنگ‌ها از بغداد دور بوده‌اند. از مجموع گزارش‌ها درباره این فرقه، برمی‌آید که مسأله غسل امام می‌توانسته به سود این فرقه باشد. درباره تلاش‌های ایشان در این زمینه می‌توان به این نمونه اشاره کرد: در برخی از منابع واقفیه حدیثی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است که اگر غیر از امام بعدی، کسی تجهیز امام پیشین را انجام دهد، کور خواهد شد (العیبة، ص ۵۷، به نقل از یکی از منابع واقفه نوشته ابو محمد علی بن أحمد العلوی الموسوی).

۴. الواقفیه، ص ۹۵-۹۸.

۵. عنوان این مقاله، «بازشناسی حدیث امام لا یغسله الا الامام در گفت‌وگو واقفیه و امامیه» است که در مجله علوم

حدیث، سال ۲۲، شماره ۴ به چاپ رسیده است.

توجه نشده، پردازد. اساسی‌ترین گام در پژوهش این مسأله، بررسی سندی و دلالتی تمام روایاتی است که به گونه‌ای به آن اشاره کرده‌اند که پیش‌تر در مقاله‌ای به انجام رسیده است.^۱ پس از بررسی عمیق تک تک این روایات، گاه آن است که از بالا به مجموعه این روایات بنگریم و نکاتی را که از این راه به دست می‌آید، بررسی کنیم. یکی از نکاتی که با نگاهی کلی به این روایات به دست می‌آید و در هیچ منبعی تا کنون به آن پرداخته نشده است، دسته‌بندی این روایات از جهت‌های گوناگون و تحلیل مقایسه‌ای و گونه‌شناختی آن‌هاست. چنان که گذشت، دسته‌بندی گونه‌شناسانه می‌تواند شناخت عمیق‌تری از این روایات برای ما حاصل نماید و برخی نکاتی را که تا کنون درباره این روایات مغفول بوده، آشکار نماید تا بدین وسیله بتوانیم ارزیابی دقیق‌تری از آن‌ها داشته باشیم.

گونه‌شناسی احادیث «الإمام لا یغسله إلا الإمام»

گونه اول. احادیث دارای دو نقل متفاوت

در بعضی از این احادیث، دو روایت مختلف برای یک حدیث واحد وجود دارد، اما اشاره به مسأله غسل تنها در یکی از آن‌ها است. با وجود این اضطراب (دوگانگی)، دیگر این دسته از روایات، شایستگی استناد برای اثبات مسأله غسل را نخواهند داشت؛ چرا که نبود اشاره به آن در یکی از دو نقل حدیث، باعث کاهش وثوق و اطمینان ما نسبت به آن می‌شود.

نمونه اول: حدیث غسل امام کاظم علیه السلام توسط امام رضا علیه السلام در مدینه به صورت زنده و پیش از حرکت ایشان به سمت زندان‌های هارون.^۲ در روایت کلینی از این حدیث به مسأله غسل اشاره شده، اما در روایت شیخ صدوق این بند از روایت اصلاً وجود ندارد. شایان ذکر است که سند کلینی و صدوق هر دو در سه راوی آخر منتهی به امام علیه السلام مشترک هستند.^۳ بنابراین، روشن است که این دو، در واقع، یک حدیث واحد بوده‌اند.

۱. این مقاله به قلم نگارنده است و عنوان «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة فی الروایات الإمامية» دارد که بخش اول آن (بررسی شش روایت) در شماره ۵۳ و بخش دوم (بررسی هشت روایت دیگر) در شماره ۵۴ مجله الاجتهاد والتجدید (بیروت) به چاپ رسیده است.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۸۲؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳؛ رک: «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة فی الروایات الإمامية»، القسم الثانی، ص ۱۷۶ (الروایة التاسعة).

۳. یعنی سلسله سند در هر دو این گونه است: ابوالحکم الأرمینی از عبد الله بن إبراهيم الجعفری از یزید بن سلیمان از امام کاظم علیه السلام؛ اگرچه کلینی یک راوی دیگر هم در عرض عبد الله الجعفری ذکر می‌کند.

نمونه دوم: حدیث رفتن امام هادی علیه السلام به بغداد برای غسل امام جواد علیه السلام.^۱ در الإمامة و التبصرة و الثاقب فی المناقب اشاره به غسل آمده است، اما در روایت بصائر الدرجات و إثبات الوصية اشاره ای به غسل نشده است؛ با این که روایات همه این منابع در واقع یک روایت هستند. نگارنده در جایی دیگر به تفصیل درباره علت واحد بودن آن ها سخن گفته است.^۲

نمونه سوم: حدیث مسیب بن زهیر درباره شهادت امام کاظم علیه السلام.^۳ در این حدیث، فقط روایت شیخ صدوق تصریح می کند که امام رضا علیه السلام متولی غسل پدر شدند، اما از ظهور نقل های دیگر این حدیث، چنین چیزی بر نمی آید.^۴

با دیدن این موارد، این پرسش به ذهن نگارنده رسید: آیا این مطلب بدان معناست که جریانی در میان عالمان و راویان وجود داشته است که - بنا به دلایلی که چندان برای ما

۱. رک: بصائر الدرجات، ج ۱ ص ۴۶۷؛ الإمامة و التبصرة، ص ۸۵؛ اثبات الوصية، ص ۲۲۹؛ الثاقب فی المناقب، ص ۵۰۹. نگارنده در مقاله «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثاني، ص ۱۸۴ (الرواية الثانية عشرة) به تفصیل درباره این روایت سخن گفته است.

۲. در روایت بصائر الدرجات و اثبات الوصية فقط سخن از آگاهی یافتن فوری امام هادی از شهادت پدر خویش در بغداد است و اشاره ای به رفتن اعجازگونه ایشان به بغداد برای تجهیز پدر نیامده است. همچنین در برخی نقل های این حدیث، آن را به امام جواد به جای امام هادی علیه السلام نسبت داده اند. برای آگاهی تفصیلی از تفاوت های دیگری که بین نقل این دو منبع با نقل الامامة و التبصرة هست و علت آن که این روایت ها یکی دانسته شد (رک: «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثاني، ص ۱۸۴، الرواية الثانية عشرة). شایان ذکر است: مراد از این که گفته شد این ها روایت واحدی هستند، این نیست که راوی آن ها یکی است. بلکه منظور این است که همه این روایت ها درباره یک واقع (رویداد) خارجی سخن می گویند؛ یعنی هر دو درباره امام هادی علیه السلام و قضیه واحدی است که مربوط به ایشان بوده است؛ اگر چه دو راوی مختلف، آن را نقل کرده اند.

۳. الهدایة الكبرى، ص ۲۶۴؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۴؛ دلائل الإمامة، ص ۳۱۵؛ عیون المعجزات، ص ۱۰۵. برای آگاهی بیشتر، رک: «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثاني، ص ۱۸۶ (الرواية الثالثة عشرة)

۴. چرا که در منابع دیگر، مسیب این گونه درباره تجهیز امام کاظم سخن می گوید: «فوالله لقد رأيتهم بعيني وهم يظنون أنهم يغسلونه ويحنطونه ويكفنونهم وأيديهم لا تصل إليه ولا يصنعون به شيئا وهو مغسل محتط مكفن» (دلائل الإمامة، ص ۳۱۵). شبیه همین واژه ها در عیون المعجزات، ص ۱۰۵؛ الهدایة الكبرى، ص ۲۶۷ نیز آمده است. از این عبارت، لزوماً بر نمی آید که امام رضا علیه السلام متولی غسل پدر شده اند. تنها می گوید کسانی که به ظاهر مشغول غسل امام کاظم علیه السلام بودند، در واقع این کار را نمی کردند و تنها چنین تصویری را داشته اند و در حقیقت، تجهیز توسط کسان دیگری - که در متن به آن ها اشاره نشده، و شاید فرشتگان یا ... بوده اند - انجام می شده است. البته در فقره های پیشین روایت، ذکر شده است که امام رضا علیه السلام در هنگام احتضار امام کاظم علیه السلام به بغداد آمده اند و مسیب هم ایشان را می بینید. اما مسیب می گوید: ثم لم ازل حتى قضی و عاد [غاب] ذلك الشخص؛ یعنی مسیب می گوید: پس از شهادت امام کاظم علیه السلام آن شخص (یعنی امام رضا علیه السلام) رفت. در این جا، مسیب، اشاره ای به بازگشت ایشان برای غسل در سخن خود نمی کند. بنابراین، با دیدن عبارت و سیاق آن، نمی توان ظهور آن را به معنای این دانست که غسل توسط امام رضا علیه السلام انجام شده است. بله ممکن است در حد اشعار آن را بپذیریم، اما چیزی را ثابت نمی کند.

روشن نیست - از نقل احادیث مشتمل بر مسأله غسل، پرهیز داشته‌اند و به حذف و سانسور ردپاهای این مسأله در نقل‌های خود دست می‌زده‌اند؟ اما باید گفت این موارد به اندازه‌ای نیست که چنین ادعایی را اثبات کند. از سوی دیگر، تحلیل وقوع چنین اضطرابی در نمونه دوم چندان سخت نیست؛ چرا که سند دوروایت این حدیث کاملاً با یکدیگر تفاوت دارد و در چنین حالی، وقوع زیاده و نقصان در نقل به معنا و... امر غریبی نیست؛ به عنوان مثال، می‌توان این گونه احتمال داد که معنای اصلی در حدیث، همان علم پیدا کردن امام هادی علیه السلام به شهادت پدرشان در همان لحظه شهادت بوده است با این که فرسنگ‌ها دورتر از بغداد بوده‌اند. این معنای اصلی حدیث در هر دو روایت وجود دارد، اما اطلاعات دیگر، چیزهایی بوده که یک راوی به حفظ آن در ذهن خود اهتمام بیشتری داشته، و این باعث شده که وی حدیث را به طور کامل با جزئیات بیشتری نسبت به دیگری نقل کند. یا این که می‌توان گفت راوی در نقل برخی جزئیات دچار اشتباه شده و چیزهایی (مثلاً غسل) را افزوده است.

اما در نمونه اول، تحلیل قضیه به این آسانی نیست؛ چرا که شیخ صدوق گه‌گاه، در نقل روایت، به خاطر آسان‌تر شدن معنای آن یا به خاطر قبول نداشتن آن فقره از روایت و مخالفتش با فتوای ایشان و یا به هر دلیل دیگری، تصرف کرده یا از نقل فقره‌ای از حدیث پرهیز می‌کرده است؛ چنان که شماری از محققین به این امر تصریح کرده‌اند.^۱ احتمالاً این کار به خاطر برداشت ایشان از روایات نقل به معنا بوده است. به هر روی، باید گفت در اینجا نیز این احتمال وجود دارد که شیخ صدوق معتقد بوده است که امام رضا علیه السلام امام کاظم علیه السلام را در همان بغداد غسل داده‌اند، نه در مدینه؛ چنان‌که وی این مطلب را در عیون اخبار الرضا روایت کرده است.^۲ پس شاید به خاطر تنافی‌ای که بین این روایت‌ها احساس کرده و ترجیح روایت غسل در بغداد، در هنگام نقل این حدیث، آن فقره مربوط به غسل امام کاظم علیه السلام در مدینه را ذکر نکرده است. اما این به معنای عدم اعتقاد شیخ صدوق به اصل مسأله غسل نیست؛ چنان‌که خود وی در جایی دیگر برای بطلان امامت اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام به همین مسأله غسل استدلال نموده است.^۳ پس به نظر می‌رسد او به اصل مسأله غسل باور

۱. روضة المتقین، ج ۳، ص ۱۸۰ و ص ۱۴۴؛ ج ۸، ص ۱۰ و ص ۵۶۸؛ کتاب نکاح، ج ۱۲، ص ۴۲۳۸؛ ج ۶، ص ۱۸۷۸؛ ج ۱۴، ص ۴۷۳۶؛ تأملات حول الکتب الأربعة، ص ۳۲۳.

۲. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۷۱.

داشته؛ گرچه شاید تفسیر خاصی از آن داشته است که در جای خود شایسته بررسی است. در اینجا احتمال دیگری نیز هست؛ این که اختلاف بین روایت کلینی و صدوق به خاطر نقل به معنا باشد؛ چرا که سند این دو، اگرچه از ابوالحکم ارمینی تا امام یکی است، اما از کلینی و صدوق تا ابوالحکم متفاوت است. پس این احتمال به وجود می‌آید که این اختلاف توسط بعضی از همین افراد متفاوت در دو سند روی داده باشد؛ چنان که شاید بتوان مؤید دیگری نیز برای این احتمال ذکر کرد و آن این است که اختلاف بین این دو روایت فقط در همین فقره نیست، بلکه شماری از تفاوت‌های دیگر نیز از آغاز تا پایان حدیث بین این دو روایت هست؛ مانند اختلاف در ذکر میلاد امام رضا علیه السلام و ...، به گونه‌ای که در مجموع بعید است این حجم از تفاوت‌ها به خاطر تصرف شیخ صدوق باشد.^۱

اما در اینجا قرینه دیگری نیز وجود دارد که با توجه به آن، دیگر معنا ندارد احتمال بدیهیم که شیخ صدوق دست به سانسور این قاعده زده باشد. آن احتمال، این است که درباره سوم، می‌بینیم که خود شیخ صدوق تنها کسی است که در روایت خود به غسل تصریح کرده است؛ در حالی که اشاره به غسل در روایت‌های دیگر از آن حدیث به این حد از ظهور نمی‌رسد.

در مجموع می‌توان گفت که این مقدار از قراین به هیچ روی نمی‌تواند ثابت کند که جریان در میان عالمان امامیه وجود داشته که دست به سانسور این قاعده می‌زده است تا جلوی شبهه در امامت امام رضا و امام جواد علیهما السلام را بگیرد. حتی اگر فرض کنیم که شیخ صدوق اشاره به مسأله غسل را درباره اول حذف کرده است، این کار به خاطر تنافی این روایت با روایت دیگری درباره غسل امام (یعنی روایت حضور امام رضا علیه السلام در بغداد برای غسل امام کاظم علیه السلام) بوده، نه به خاطر این که وی اساساً به قاعده اعتقاد نداشته و می‌خواسته رد پای آن را از بین ببرد.

۱. از این جهت از این قرینه به عنوان مؤید نام بردیم که می‌توان اشکال کرد که شاید فقره‌های دیگر حدیث نیز مخالف فتوا و دیدگاه شیخ صدوق بوده است و از این روی ایشان در نقل آن‌ها نیز تصرف یا پرهیز نموده باشند؛ چنان که درباره اختلاف در ذکر تاریخ میلاد امام رضا علیه السلام نیز این بحث را می‌توان مطرح نمود که آیا این اختلاف نیز به خاطر تصرف شیخ صدوق علیه السلام است یا خیر؛ چرا که شاید ایشان آن را منافی با روایات دیگر می‌دانسته است؛ چنان که نگارنده در جایی دیگر مفصل توضیح داده است که اشاره به میلاد امام رضا علیه السلام در این حدیث با قرائن و روایات دیگر تعارض دارد (رک: «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثاني، ص ۱۷۷، الروایة التاسعة).

گونه دوم. احادیثی که ممکن است جعلی باشند

در دو مقاله‌ای که در بررسی سندی و دلالتی احادیث غسل امام توسط نگارنده نگاشته شده، اشاره شده است که در بعضی از روایات، این امکان وجود ندارد که راوی بتواند آن روایت را نقل کند؛ چرا که وی قبل از آن واقعه وفات کرده است، مانند روایت هرثمة بن أعین^۱ که درباره نحوه شهادت امام رضا علیه السلام است؛ در حالی که هرثمة چند سال پیش از شهادت امام رضا علیه السلام وفات کرده است.^۲ این احتمال در روایت مسیب بن زهیر^۳ نیز قابل اعتناست؛ چرا که وی در روایتش چگونگی شهادت امام کاظم علیه السلام را حکایت می‌کند، در حالی که به احتمال بسیار زیاد، وی همان مسیب بن زهیر ضبی است که پیش از شهادت امام کاظم علیه السلام وفات کرده است. پس اساساً نمی‌تواند شهادت ایشان را نقل کند.^۴

نگارنده در پی آن نیست که در این جا چیزی را با اطمینان بگوید، اما در مجموع به نظر می‌رسد احتمال جعلی بودن این دسته احادیث، قوی است؛ به ویژه هنگامی که به وفات راویان پیش از واقعه، این مطلب را ضمیمه کنیم که سند این دو حدیث نیز پراز راویان مجهول الحالی است که در هیچ منبعی نامی از آن‌ها به میان نیامده است؛ چه رسد به این که مطلبی درباره توثیق یا تضعیف ایشان بتوان یافت.

اگر جعلی بودن این احادیث را بپذیریم، شاید بتوان احتمال داد که جریانی در میان شیعه بوده که به این قاعده باور داشته و شاید به خاطر غالی بودن و یا ... از هروسيله‌ای برای اثبات امامت امامان استفاده می‌کرده و برای رد شبهه واقعه دست به جعل این روایات می‌زده است؛ چنان که گروهی از غالیان، ابایی از دروغ گفتن حتی در این مسائل نیز نداشته‌اند، با این که خود امامان علیهم السلام به آن خرسند نبوده‌اند. البته روشن است که با وجود نص و قراین دیگر، نیازی به این کار برای اثبات امامت ایشان نبوده است.

گونه سوم. احادیث دلالت‌کننده به امور دیگر تجهیزین، مانند تکفین و...

در میان احادیثی که به مسأله غسل اشاره کرده‌اند، شماری هستند که بر امور دیگری غیر

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۵؛ دلائل الإمامة، ص ۳۵۱.

۲. تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۳۱۲؛ المعارف، ص ۳۸۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۰؛ تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۵۴۲. در مقاله «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثاني، ص ۱۷۲ (الروایة السابعة) به تفصیل درباره این موضوع سخن گفته شده است.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۴.

۴. نگارنده درباره این مسائل به تفصیل در «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثاني، ص ۱۸۷ توضیح داده است.

از غسل نیز دلالت دارند؛ مانند تکفین و تدفین و نماز میت و یا بعضی از این موارد. شماره این گونه احادیث به پنج عدد می‌رسد: روایت عبد الرحمن بن یحیی درباره کیفیت شهادت امام رضا علیه السلام^۱، روایت غسل امام کاظم علیه السلام به صورت زنده در مدینه (که پیش تر گذشت)، روایت مناظره بطائنی با امام رضا علیه السلام^۲، روایت غسل دادن امام زمان علیه السلام توسط امام حسین علیه السلام^۳، روایت حضور امام هادی علیه السلام در غسل امام جواد علیه السلام در بغداد (که پیش تر گذشت).^۴ دو روایت دیگر نیز هست که ممکن است برای این مطلب دلالت داشته باشد، گرچه دلالت آن‌ها به قوت دسته پیشین نیست: روایت پیش گفته مسیب بن زهیر و روایت یاری فرشتگان در غسل هر یک از امامان علیهم السلام^۴. در نتیجه، باید گفت حدود نیمی از تمامی مدارک این قاعده، بر لزوم امور دیگر غیر از غسل نیز در این قاعده دلالت دارند که در صورت قبول آن مدارک، وارد قاعده خواهند شد.

این دسته از احادیث (گونه سوم)، به خودی خود، با روایاتی که تنها به غسل اشاره کرده‌اند، تنافی ندارد؛ اما اگر برای لزوم امور دیگر تجهیز غیر از غسل، مانند تکفین و... به آن‌ها استدلال شود، با اشکالاتی مواجه خواهد بود؛ از جمله:

این مدارک برای اثبات چنین امر مهمی کافی نیست؛ چرا که شمار آن‌ها تنها پنج و یا نهایتاً هفت روایت است و همگی نیز از جهت‌های گوناگونی، مانند سند و تعارض و... ضعیف و یا بسیار ضعیف هستند؛ چنان که نگارنده به تفصیل درباره وضعیت سندی و دلالتی تک تک آن‌ها در مقاله پیش گفته سخن گفته است. از سوی دیگر، اگر بگوییم که این قاعده (به عنوان شرط / نشان امامت)، اعم از غسل است و شامل امور دیگر تجهیز، مانند نماز میت و تدفین و... نیز می‌شود. در این صورت، ما در مقابل تنافی بزرگی بین این مطلب با واقع تاریخی تجهیز معصومان علیهم السلام قرار می‌گیریم؛ چرا که گزارش‌های گوناگونی هست که به روشنی نشان می‌دهد که حداقل بخشی از تجهیز برخی از امامان علیهم السلام توسط امام بعدی صورت نگرفته است. و این اخبار به اندازه‌ای فراوان‌اند که بعید است بتوان آن‌ها را توجیه یا

۱. اثبات الوصیة، ص ۲۱۵. رک: «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثانی، ص ۱۷۵ (الروایة الثامنة).

۲. رجال الكشي، ص ۴۶۳؛ اثبات الوصیة، ص ۲۰۷. رک: «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثانی، ص ۱۸۰ (الروایة العاشرة).

۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱؛ الکافی، ج ۱۵، ص ۴۷۵. رک: «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثانی، ص ۱۸۲ (الروایة الحادية عشرة).

۴. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۲۵؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۷۸. رک: «تغسیل الإمام كعلامة...»، القسم الثانی، ص ۱۸۸ (الروایة الرابعة عشرة).

تأویل کرد.^۱ بسیار سخت است که با استناد به چند روایت ضعیف، دست از ظاهر گزارش‌های تاریخی گوناگونی برداریم که درباره امامان مختلف و در منابع گوناگون شیعی و سنی آمده است. چنان که فقیهانی که با استناد به روایات غسل دست به تأویل یا تضعیف برخی روایات صحیح‌ه زده‌اند، درباره باقی اعمال تجهیز معصومان علیهم‌السلام، به هیچ وجه وارد توجیه نشده‌اند.^۲

اکنون که روشن شد که این دسته از روایات را به خاطر تعارض آشکار آن با گزارش‌های تاریخی نمی‌توانیم بپذیریم، پس در این حالت اطمینان ما به اصل قاعده غسل، یعنی حتی درباره لزوم غسل به تنهایی نیز کاهش می‌یابد؛ چرا که دیگر برای ما ممکن نیست که از این دسته از مدارک درباره لزوم غسل نیز استفاده کنیم؛^۳ زیرا در این حالت، مجبوریم بین پنج تا هفت روایت را از مجموع چهارده روایتی که برای قاعده غسل یافته بودیم، کنار گذاریم و روشن است که این می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش اطمینان ما به قاعده غسل داشته باشد. گذشته از آن که در میان برخی از خود روایاتی که دلالت بر انجام بعضی از اعمال تجهیز توسط امام دارد، به عدم لزوم برخی دیگر از اعمال تجهیز توسط امام تصریح شده است،

۱. برای آگاهی از برخی از منابعی که به چنین مطلبی دلالت دارند، رک: درباره امام حسن علیه‌السلام: الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۶؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۹۹؛ مقاتل الطالبیین، ص ۸۳؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۸۹؛ درباره امام حسین علیه‌السلام: أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۴۱۰؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۳؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۵۵؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۴؛ درباره امام کاظم علیه‌السلام: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۸ و ۳۹ (دو گزارش مختلف)؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۰۵؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۳؛ درباره امام رضا علیه‌السلام: مقاتل الطالبیین، ص ۴۵۸؛ درباره امام جواد علیه‌السلام: مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۶۴؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶۷؛ الکامل، ج ۶، ص ۴۵۵؛ وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۱۷۵؛ درباره امام هادی علیه‌السلام: اثبات الوصیة، ص ۲۴۳؛ درباره امام حسن عسکری علیه‌السلام: روایت تجهیز توسط عمال دولت: الکافی، ج ۲، ص ۶۲۰؛ الهدایة الكبرى، ص ۳۸۴؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۴۳؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۲۴؛ الغیبة (طوسی)، ص ۲۱۹؛ رجال النجاشی، ص ۱۰۰؛ روایت تجهیز توسط عثمان بن سعید، نائب خاص: الغیبة (طوسی)، ص ۳۵۶؛ در مقاله «باز شناسی حدیث «الامام لا یغسله الا الامام» در گفت‌وگو با واقفیه و امامیه»، ص ۱۰۷ و ۱۱۳ نیز به شمار زیادی از این موارد اشاره شده است.

۲. علاوه بر منابعی که در پیشینه تحقیق درباره رویکرد فقیهان درباره روایات غسل گذشت، رک: جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۸؛ مهذب الأحکام، ج ۳، ص ۴۳۰؛ فقه الصادق علیه‌السلام، ج ۲، ص ۳۶۱؛ مصباح المنهاج (کتاب الطهارة)، ج ۶، ص ۲۴۴؛ سند العروة الوثقی (کتاب الطهارة)، ج ۵، ص ۱۶۰؛ همچنین آقایان گودرزی و حسینیان نیز در مقاله پیش‌گفته به اصل این مطلب اشاره کرده‌اند (رک: «باز شناسی حدیث الامام لا یغسله الا الامام»، ص ۱۱۷).

۳. مگر این‌که قائل به «تبعیض دلالت» باشیم، اما بعید به نظر می‌رسد این مبنا عرفی باشد و توضیح درباره آن نیاز به مجالی دیگر دارد.

مانند روایتی از هرثمه - که ضمن این که برآمدن معجزه‌گونه امام جواد علیه السلام و نماز ایشان بر پیکر امام رضا علیه السلام دلالت می‌کند - دلالت بر این دارد که امام رضا علیه السلام به هرثمه دستور داده‌اند که ایشان را دفن نماید.^۱

نتیجه

از دسته‌بندی و گونه‌شناسی روایات غسل امام، پی می‌بریم که تعدادی قابل توجهی از روایات غسل امام، دست‌کم از یکی از جنبه‌های یاد شده در زیر، دچار ضعف هستند: در شماری از آن‌ها اشاره به مسأله غسل تنها در یک نقل از حدیث وجود دارد و در نقل دیگر از همان حدیث وجود ندارد. چنین روایاتی دچار اضطراب در یادکرد از غسل هستند و شایستگی استناد برای اثبات ضرورت غسل به عنوان قاعده را ندارند و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اگر نگوییم که قابل استناد نیستند، دست‌کم قدرت آن‌ها برای استدلال بر چنین مطلب مهمی بسیار کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، شماری از آن‌ها به احتمال بسیار، جعلی هستند و یا این که دست‌کم وثوق ما به آن‌ها بسیار پایین است؛ چرا که روایت‌ها به روایانی نسبت داده شده‌اند که پیش از وقوع ماجرا وفات کرده‌اند. همچنین، شمار فراوانی از این روایات، امور دیگر تجهیز مانند نماز میت و تکفین و تدفین امام را نیز تنها توسط امام بعدی می‌دانند؛ در حالی که چنین چیزی با بسیاری از گزارش‌های شیعه و سنی درباره واقع تاریخی تجهیز معصومین ناسازگار است.

بلکه باید گفت: برخی از روایات غسل، از دو جنبه از جنبه‌های مذکور دچار ضعف هستند؛ مانند روایت رفتن امام هادی علیه السلام برای غسل امام جواد علیه السلام به بغداد و همچنین روایت غسل امام کاظم علیه السلام به صورت زنده در مدینه که هم دارای اضطراب در یادکرد از غسل در برخی نقل‌های خود هستند و هم اشاره به امور دیگر تجهیز دارند. اکنون، اگر قرینه‌های گوناگون یادشده را به این قرینه اضافه کنیم که تقریباً همگی روایات غسل، اگر نگوییم قطعاً کل آن‌ها، از نظر سندی ضعیف و یا بسیار ضعیف هستند - چنان که تفصیل آن در مقاله پیش‌گفته نگارنده آمده است - به این نتیجه خواهیم رسید که نمی‌توان به صدور این روایات از معصومین علیهم السلام اعتماد پیدا کرد.

۱. «فاقصد المكان الذی عینته لک فاحفر شیئا سیرا من وجه الأرض تجد قبرا معمولا... فهو مدفنی، فادفنی فیہ» (کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۶۶). این روایت غیر از روایت دیگر هرثمه است که پیش از این گذشت و نگارنده با عنوان روایت هفتم از مدارک مسأله غسل امام در مقاله «تغسیل الامام کعلامة...» القسم الثانی، ص ۱۷۳ درباره آن بحث کرده است.

کتابنامه

- اثبات الوصية، على بن حسين مسعودی (منسوب)، قم: انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
- الإرشاد، محمد بن محمد شيخ مفيد، قم: آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- الإستيعاب في معرفة الأصحاب، يوسف بن عبد الله ابن عبد البر، تحقيق: على محمد بجاوي، بيروت: دارالجيل، ۱۴۱۲ق.
- الإمامة و التبصرة من الحيرة، على بن بابويه (منسوب)، قم: مدرسة امام مهدي عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى بلاذري، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن الحسن صفار، تحقيق: محسن كوجه باغي، قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي عليه السلام، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- تاريخ الأمم و الملوك (تاريخ الطبري)، محمد بن جرير طبري، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
- تاريخ يعقوبي، احمد بن أبي يعقوب يعقوبي، بيروت: دار صادر، بی تا.
- تاريخ بغداد، احمد بن على خطيب بغدادی، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون، ۱۴۱۷ق.
- تاريخ خليفة بن خياط، خليفة بن خياط الليثي، تحقيق: مصطفى نجيب فواز و حكمت كشلي فواز، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- «تأملات حول الكتب الأربعة»، محمد باقر ملكيان، مجله الاجتهاد و التجديد، سال ۱۳، ش ۴۷، تابستان ۲۱۰۸م.
- «تغسيل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة في الروايات الإمامية»، القسم الأول و الثاني، محمد خراساني عافي، الاجتهاد و التجديد، ش ۵۳ و ۵۴، زمستان ۲۰۱۹م - بهار ۲۰۲۰م.
- تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، تحقيق: سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
- الثاقب في المناقب، محمد بن على ابن حمزة طوسي، تحقيق: نبيل رضا علوان، قم: انصاریان، ۱۴۱۹ق.

- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن نجفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ ہفتم، ۱۴۰۴ق.
- الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بن احمد بحرانی، تحقیق: محمد تقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرر، قم: جامعہ مدرسین، ۱۴۰۵ق.
- الحور العین، نشوان بن سعید حمیری، تحقیق: کمال مصطفی، بی جا، بی نا، ۱۹۷۲م.
- الخرائج و الجرائح، سعید بن ہبہ اللہ قطب الدین راوندی، قم: مؤسسه امام مہدی عجل اللہ تعالیٰ فرجه، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- دلائل الإمامة، محمد بن جریر طبری، قم: مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد: چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: جامعہ مدرسین، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- رسائل الشریف المرتضی، علی بن حسین موسوی شریف مرتضی، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتہاردی، قم: کوشان پور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- سند العروة الوثقی (کتاب الطهارة)، محمد سند بحرانی، قم: انتشارات صحفی، اول، ۱۴۱۵ق.
- الطبقات الكبرى، محمد ابن سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۰ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی شیخ صدوق، تحقیق: سید مہدی لاجوردی، تہران: نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
- عیون المعجزات، حسین بن عبد الوہاب، قم: مکتبۃ الداوری، چاپ اول، بی تا.
- الغیبة، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه المعارف، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- فرق الشیعة، حسن بن موسی نوبختی (منسوب)، تقدیم: سید ہبہ اللہ شہرستانی، بیروت: منشورات الرضا، چاپ اول، ۱۴۳۳ق.

- الفصول المختارة، محمد بن محمد شيخ مفيد، تحقيق: علي ميرشريفى، قم: المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى الألفية لوفاة الشيخ المفيد، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- فقه الصادق عليه السلام، سيد صادق حسيني روحانى، قم: مدرسه امام صادق عليه السلام، اول، ۱۴۱۲ق.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- الكامل فى التاريخ، عزالدين على ابن اثير، بيروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- كتاب نكاح، سيد موسى شبيرى زنجانى، قم: رأى پرداز، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- كشف الغمة فى معرفة الأئمة، على بن عيسى اربلى، تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، تبريز: بنى هاشمى، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- كمال الدين و تمام النعمة، محمد بن على صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: اسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- متشابه القرآن و مختلفه، محمد بن على بن شهر آشوب مازندرانى، قم: بيدار، چاپ اول، ۱۳۶۹ق.
- مرآة العقول، محمد باقر مجلسى، تحقيق: رسولى محلاتى، تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مروج الذهب و معادن الجواهر، على بن الحسين مسعودى، تحقيق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- مستمسك العروة الوثقى، سيد محسن حكيم، قم: مؤسسة دار التفسير، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- مصباح المنهاج (كتاب الطهارة)، سيد محمد سعيد حكيم، قم: مؤسسة المنار، بى تا.
- المغنى فى أبواب التوحيد و العدل، قاضى عبد الجبار بن احمد، تحقيق: جورج فنوتى، قاهره: الدار المصرية، ۱۹۶۲م.
- مقاتل الطالبين، على بن حسين ابوالفرج اصفهانى، تحقيق: احمد صقر، بيروت: مؤسسة الأعلمى، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
- مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، على بن اسماعيل ابوالحسن اشعري، آلمان: ويسبادن، چاپ سوم، ۱۴۰۰ق.
- ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار، محمد باقر مجلسى، تحقيق: سيد مهدى رجائى، قم: چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

- الملل و النحل، محمد بن عبد الکریم شهرستانی، تحقیق: محمد بدران، قم: الشریف الرضی، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.
- موسوعة الإمام الخوئی، سید ابوالقاسم خویی، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی رحمته، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- مهذب الأحكام، سید عبد الأعلى سبزواری، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله سبزواری رحمته، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
- الواقفیه، ریاض محمد حبیب الناصری، مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- وفيات الأعيان و أبناء أبناء الزمان، احمد بن محمد ابن خلكان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
- الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
- «بازشناسی حدیث الامام لا یغسله الا الامام در گفتمان واقفیه و امامیه»، ابراهیم گودرزى - حسین حسینیان مقدم، مجله علوم حدیث، ۱۳۹۶، ش ۸۶.